

تأثیر حسابداری بیمه ای برواقعیت های بازرگانی و ثبات مالی^۱

جانا تان بلومر^۲

محمد علی فتوره بنابی^۳

چکیده

در این مقاله، توسعه استانداردهای بین‌المللی گزارش‌های مالی در صنعت بیمه به ویژه تأثیر ارزش منصفانه حسابداری به عنوان استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ تحت عنوان ابزارهای مالی، تشخیص و سنجش در بیمه بررسی و طرح جاری هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و سابقه این حوزه در پیشرفت‌های صورت گرفته به همراه خلاصه وضعیت فعلی مطرح شده است. در حال حاضر، اجماع کلی و مناسب در مورد حسابداری بیمه‌ای وجود ندارد و از سال ۲۰۰۵ ناچار شده‌اند مدلی ترکیبی جهت حسابداری دارایی‌ها و براساس ارزش منصفانه در صنعت بیمه ارائه کنند، این در حالی است که بدهی‌ها قبلاً براساس نرخ روز محاسبه می‌شده است. هدف تعیین‌کنندگان استانداردها این است که یک سیستم کامل گزارش‌دهی بر مبنای ارزش منصفانه را تا سال ۲۰۰۷ تکمیل کنند. در این مقاله، مباحثی درباره سرمایه و تولیداتی که

1. "The Impact of Insurance Accounting on Business Reality and Financial Stability", The Geneva Papers on Risk and Insurance, vol.29, No.1(2004), 56-62.

2. Jonathan Bloomer, Group Chief Executive, Prudential Plc, London.

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

در این شرایط به وجود می‌آید بررسی شده است. علی‌رغم محیط بی‌ثباتی که در ایجاد یک استاندارد جدید حکمفرماست، روشن است که صنعت بیمه با تغییرات عمده‌ای در گزارش‌های مالی روبه‌رو خواهد بود و این تغییرات به‌طور بالقوه تأثیرات مهمی بر ماهیت مشاغل بازرگانی خواهد داشت. شرکت‌های بیمه باید همچنان به بحث‌های حسابداری درخصوص استانداردهای گزارش‌نویسی توجه کنند و مطمئن شوند که در تعیین استانداردها واقعیت‌حاضر بازرگانی و وضعیت اقتصادی منعکس می‌شود و برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیز مفید است.

واژگان کلیدی

ارزش منصفانه، استاندارد بین‌المللی حسابداری، حسابداری بیمه‌ای

مقدمه

در سال ۱۹۹۷ هیئت سابق استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)^۴، کمیته‌ای برای فعالیت در جهت برقراری استانداردهای بین‌المللی برای قراردادهای بیمه‌ای تشکیل داد که وظیفه آن را از ژانویه ۲۰۰۱ هیئت جانشین استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)^۵ برعهده دارد. در حال حاضر اجماع کلی و روشنی در مورد استانداردهای مناسب وجود ندارد. در رویکرد کلی که واضعان استانداردها اتخاذ کرده‌اند، تلاش شده است معیاری برای سنجش همه ابزارهای مالی از جمله قراردادهای بیمه در نرخ ارزش منصفانه پیدا کنند. هیئت جانشین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ارزش منصفانه را به عنوان

4. International Accounting Standard Committee

5. International Accounting Standard Board

مبلغی قبول دارد که براساس آن بتوان دارایی‌ها را تبدیل و یا بدهی را تصفیه کرد. مقیاس سنجش ارزش منصفانه در صورتی که دارایی‌ها یا بدهی‌ها بازار ثانویه داشته باشند، ارزش بازار است و اگر بازار ثانویه نداشته باشد بر مبنای ارزش تخمینی بازار تعیین می‌شود. عملکرد ارزش منصفانه مخالفت‌های شدید شرکت‌های عمده بین‌المللی بیمه و شرکت‌های بیمه اتکایی و نیز واضعان قوانین بیمه را در پی داشته است. علل این مخالفت‌ها در ادامه عنوان می‌شود اما از آنجا که در طرح عملیاتی خدمات مالی کمیسیون اروپایی مقرر شده است که از اول ژانویه ۲۰۰۵ همه شرکت‌های فهرست شده در اتحادیه اروپا باید حساب‌های مالی خود را بر طبق استانداردهای گزارش‌دهی مالی بین‌المللی تهیه کنند، بر تدوین و ایجاد این استانداردهای بین‌المللی تأکید زیادی شده است. در ماه مه سال ۲۰۰۲ هیئت IASB طرح خود را در مورد قراردادهای بیمه‌ای به دو فاز تقسیم کرده است؛ مرحله اول داخلی است و برای کمک به بیمه‌گرانی که از استانداردهای بین‌المللی گزارش‌های مالی در سال ۲۰۰۵ استفاده می‌کنند طراحی شده است. هدف IASB ایجاد مؤلفه‌هایی برای طرح استاندارد بیمه تا سال ۲۰۰۵ بدون تأخیر در مرحله دوم است.

در مرحله اول به موارد زیر پرداخته می‌شود:

- تعریف قرارداد بیمه که هیئت استانداردهای بین‌المللی به عنوان یک قرارداد آن را قبول دارد؛ قراردادی که در یک طرف آن (بیمه‌گر) با قبول خطرات احتمالی بیمه با توافق با بیمه‌گذار، متعهد می‌شود که در صورت روی دادن خطرات احتمالی غیرقابل پیش بینی برای طرف مقابل (بیمه‌گذار) و افراد ذی‌نفع، آثار آن را جبران نماید.
- مشخص کردن دامنه استثناها برای مثال دارایی‌ها و بدهی‌های کارفرما در طرح‌های مربوط به منافع کارمندان.

• معافیت‌های موقتی از طرف بعضی از استانداردهای موجود که به بیمه‌گران اجازه می‌دهد از بسیاری جنبه‌های حسابداری موجود خود برای قراردادهای بیمه‌ای در طول دوره بیمه استفاده کنند.

• موارد به‌کارگیری از جنبه‌های استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹؛ «بزارهای مالی، تشخیص و سنجش» در قراردادهای بیمه و قراردادهای سرمایه‌گذاری صادر شده از طرف بیمه‌گران. یک نکته مهم در این جا این است که IASB موافقت کرده است در مورد یک بیمه‌گر نیازی به تبصره نیست و اندازه‌گیری با ارزش منصفانه می‌تواند محاسبه کامل باشد و اگر به موضوعات فرعی هم نیاز باشد، معمولاً در موضوع قرارداد بیمه ذکر می‌شود. دو نمونه از موضوعات فرعی که در قراردادهای بیمه پیشنهادی ذکر می‌شود عبارتند از:

- تضمین نحوه پرداخت قسط سالیانه

- تضمین حداقل منافع سوخت شده.

شرح مسائل مطرح در استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ به قرار زیر

است:

در مرحله اول به ریز حسابداری قراردادهای بیمه بیمه‌گران توجه نمی‌شود، به این کار در مرحله دوم رسیدگی می‌شود یعنی جایی که IASB موقتاً موافقت خود را با ارائه مدلی از دارایی و بدهی مرتبط با قراردادهای بیمه اعلام کرده است که براساس آن دارایی‌ها و بدهی‌های منتج از قراردادهای بیمه براساس نرخ ارزش منصفانه مشخص خواهد شد.

IASB یک برنامه زمانی برای اجرای مرحله اول منتشر کرد که طبق آن اجرای این مرحله تا آخر فصل دوم سال ۲۰۰۳ به اتمام رسید، اما در مورد اجرای مرحله دوم هیچ برنامه زمانی ارائه نکرده است به نظر می‌رسد وضعیت حاصل در دنیای حاضر براساس مرحله اول است که دو سال اول بعد از ۲۰۰۵ را در بر می‌گیرد و مبنای ارزش منصفانه برای بیمه‌گران در مورد دارایی‌هاست و بدهی‌ها را شامل نمی‌شود.

بدهی‌ها تا بعد از سال ۲۰۰۷ موضوع حسابداری بر مبنای ارزش منصفانه نیست، در نتیجه به‌طور عمده در عرض دو سال از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ بیمه‌گران بیشترین دارایی‌های خود را به بازار معرفی خواهند کرد. بدهی‌ها و به‌عبارت دیگر قراردادهای بیمه بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری محلی ارزش گذاری خواهد شد در نتیجه هر حرکتی در ارزش دارایی‌های شرکت با تغییرات متداول ارزش بدهی‌ها مطابقت نخواهد داشت و این مسئله بی‌ثباتی زیادی را در حساب سود و زیان در پی خواهد شد.

حسابداری ارزش منصفانه

اجرای سیستم حسابداری ارزش منصفانه همواره با مشکلاتی همراه است، این مشکلات یا به ارزیابی ماشین آلات و تجهیزات مربوط می‌شود یا بر ابزارهای مالی واضعان استانداردها بر حسابداری ارزش منصفانه اسناد مالی تأکید دارند و این امر همه موسسات وابسته حسابداری و کلیه سطوح اسناد حسابداری اوایل دهه ۱۹۹۰ را شامل می‌شود. از ابتدا مشخص بود که حسابداری ارزش منصفانه باید قراردادهای بانک‌های تجاری و شرکت‌های بیمه را هم پوشش دهد. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که وجود ارزش منصفانه برای کلیه سطوح معاملاتی از وام‌ها گرفته تا سپرده‌های بانک‌ها و کلیه قراردادهای بیمه، اعم از معاملات عمده بازرگانی و قراردادهای بیمه اتکایی ضروری است. مشکلات این گونه فعالیت‌ها به آسانی مشخص می‌شوند. یکی از نتایج اولیه اجرای این سیستم این بود که قراردادهای بیمه از سایر انواع اسناد مالی جدا شد و سپس در اولین مورد بر روی دارایی‌های مالی اعمال شد. این امر در نهایت به استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹، اسناد مالی، تشخیص و اندازه‌گیری (IAS 39) منجر شد که مفاد آن در دسامبر سال ۱۹۹۸ انتشار یافت.

استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ در نتیجه مجموعه‌ای از مصالحه‌ها و تفاهم‌ها شکل گرفت. نکته مهم این توافق این است که در حالی که بعضی از

دارایی‌های مالی باید با ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود، دارایی‌های دیگر را می‌توان با روش‌های دیگر اندازه‌گیری کرد. دارایی‌های مالی که به مثابه دارایی‌های ذخیره برای تجارت و دارایی‌های در دسترس برای فروش تعریف شده‌اند، باید از روش منصفانه قیمت‌گذاری گردند. این دارایی‌های مالی از الزامات زیر مستثنا هستند:

- وام‌ها و دریافتی‌هایی که در طی فعالیت‌های تجاری شرکت ایجاد یا حاصل شده باشد و برای استفاده موسسه در تجارت کنار گذاشته نشده باشد.
- سرمایه‌گذاری‌های با سررسید ثابت در زمانی که موسسه قصد دارد و مجاز است برای توسعه موسسه به انجام این نوع سرمایه‌گذاری‌ها اقدام کند.
- دارایی‌های مالی که به عنوان دارایی‌های آماده برای فروش تعریف شده است و ارزش منصفانه آنها را نمی‌توان به طور واقعی اندازه‌گیری کرد که به طور عمده به بعضی اوراق بهادار نامشخص و سرمایه‌گذاری‌های با ارزش نامشخص محدود می‌شود.

به علاوه، استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ بدهی‌های بلندمدت ثبت شده شرکت و سایر بدهی‌های بانرخ ثابت، از محاسبه با نرخ ارزش منصفانه مستثنا شده است. IASB یک روند مشورتی برای توسعه استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ ترتیب و پیش‌نویس آن را در اواسط سال ۲۰۰۲ بیرون داده و چند میزگرد در مارس ۲۰۰۳ برگزار کرده است. درحالت خاص هیئت استانداردها ممکن است به بررسی پیشنهادهایی بپردازد که خلاف قاعده به نظر برسد، اگر سرمایه‌گذاری‌هایی که برای برگشت بدهی‌های بیمه انجام شده (به‌خصوص بهره‌های تحمیلی سرمایه‌گذاری‌ها) براساس ارزش منصفانه مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ محاسبه، درحالی که بدهی‌های بیمه با شرایطی متفاوت از مرحله اول طرح بیمه محاسبه شود.

ارزش منصفانه و بیمه‌گران

دو راه حل کلیدی برای حسابداری ارزش منصفانه و بیمه وجود دارد. راه حل اول تعریف قراردادهای بیمه‌ای و راه حل دوم استفاده کاربردی از ارزش منصفانه در تمامی قراردادهای بیمه‌ای است.

در مورد قرارداد بیمه تاکنون تعریفی که بتواند آن را از سایر اسناد مالی متمایز سازد ارائه نشده است. در مورد بیمه، قوانین ملی مختلفی وجود دارد که بر طبق آنها انواع خدماتی که یک شرکت بیمه یا فقط یک بیمه‌کننده مجاز می‌تواند ارائه دهد مشخص شده است. در تعریفی که قبلاً از قرارداد بیمه شده و نیز در تعریفی که در این مقاله ارائه شده و در هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به تصویب رسیده است، بعضی از قراردادهای مهم که در حال حاضر به عنوان قراردادهای بیمه محسوب می‌شوند مستثنا و به عنوان ابزار مالی عمومی در استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ طبقه‌بندی شده‌اند.

همچنین تعدادی از قراردادهای بیمه عمر هم وجود دارد که متضمن دو نوع ریسک بیمه و ریسک سرمایه‌گذاری است. فعالیت‌هایی که در جریان است، چه در زمینه قراردادهای بیمه مشارکت در منافع و قراردادهای بیمه عمر متغیر و غیره، باید به عنوان بیمه تحت استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ طبقه‌بندی شوند چرا که عناصر این گونه قراردادها با عناصر سرمایه‌گذاری متفاوت هستند. به علاوه، بعضی قراردادها هم وجود دارد. به ویژه در بیمه عمر که وضعیت‌های آنها گنجانده شده است و به جای آن که تحت هر تعریفی از بیمه قرار گیرند لازم است به طور مجزا با شرایط استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ سنجیده شوند.

بنابراین مقررات دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت بیمه الزامات متفاوتی در شرکت‌های بیمه دارند. بدهی‌های بیمه‌ای که در قراردادهای بیمه تعریف می‌شوند، تحت مرحله دوم قراردادهای بیمه، تحلیل و گزارش می‌شوند؛ دارایی‌های بیمه و هر

قرارداد دیگری که در ردیف قراردادهای بیمه قرار نمی‌گیرند برطبق مقررات استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ رسیدگی می‌شوند و تمامی دارایی‌ها و بدهی‌های دیگر براساس استانداردهای مربوط دیگر بررسی می‌شوند.

موضوع استفاده از رویکرد ارزش منصفانه در کلیه قراردادهای بیمه موضوعی پیچیده است که می‌توان موارد مهم آن را به شرح زیر خلاصه کرد:

- یک مسئله اساسی این است که ارزش یا بهای تخمینی دارایی‌ها و بدهی‌ها در بازار برآورد شود که بازار ثانویه، نقدینگی شدید نداشته باشد و یا فاقد بازارهای ثانویه باشد.
- دربرآوردی از جریان وجوه نقد که بانرخ متناسبی از بهره به نسبت ارزش بازار کاهش می‌یابد، آیا باید ریسک‌پذیری در جریان وجوه نقد و یا در نرخ تخفیفی مجاز باشد؟ در تعیین نرخ تخفیف مناسب بهره یا هر تعدیلی گردش وجوه نقد نیز مشکلاتی وجود دارد.
- باتوجه به نوسانات بازار و قیمت دارایی‌ها به نظر می‌رسد حتی درجایی که واقعا بازار وجود دارد باید با این دید که ارزش بازار لزوماً بهترین برآورد ارزش واقعی است، با احتیاط بیشتری برخورد کرد.
- باتوجه به رویکرد التقاطی فعلی به دارایی‌ها و بدهی‌ها تحت چارچوب پیشنهادی حسابداری، جایی برای ریسک‌پذیری در محدوده دارایی‌ها و بدهی‌ها باقی نمی‌ماند.
- قراردادهای بیمه عمر ممکن است بلندمدت باشد و برای شرکت‌هایی که قصد فسخ قرارداد را قبل از موعد مقرر دارند محدودیت مالی ایجاد کند. این مسئله نیازمند آن است که سیستم‌های حسابداری نه تنها ارزش منصفانه خود را در درازمدت بر تعهدات غیرتجاری (پرداخت مطالبات و خط‌مشی تسویه حساب‌ها) قرار دهند بلکه باید همچنان قادر باشند ارزش‌های منصفانه را

برای دارایی‌های غیرتجاری درازمدت مربوط (برای مثال تجدید حق بیمه‌ها) هم اندازه‌گیری کنند.

- پیش‌بینی خطرهای بیمه در بعضی از سطوح عملیات مشکل است و بیمه‌گران به طور تاریخی سرمایه‌های اضافی برای پوشاندن این عدم اطمینان‌ها کنار می‌گذارند. این کار با تخصیص وثیقه‌ای اضافی آشکار یا پنهان جهت پرداخت غرامت در قراردادهای انجام می‌شود. IASB این است که شرایط قرارداد و حوادث غیرمترقبه در چارچوب ارزش منصفانه قرار نمی‌گیرد.
- بیمه‌گران با روی هم گذاشتن سرمایه قادر خواهند بود ریسک‌های پورتنفوی بین خدمات و نیز خدمات اضافی رامنوع کنند. آثار این پورتنفوی مدل‌های معاملاتی انفرادی را در بر نمی‌گیرد. هدف از طرح موارد فوق ارائه بحثی خسته‌کننده در مورد مشکلات حسابداری ارزش منصفانه نیست، اما هر سیستم حسابداری که در آن به این مباحث پرداخت نشود نمی‌تواند مسائل اقتصادی و زیربنای تجارت را منعکس سازد.

اشاراتی بر واقعیت تجارت و ثبات مالی

کاملاً روشن است که پیشرفت‌های حسابداری در زمینه بیمه امکان آن را فراهم می‌آورد که تغییرات عمده‌ای از نگاه بیمه‌گران به سرمایه و حل نیازهای آنان، طراحی محصولات و گزینش دارایی متناسب با تعهدات ایجاد شود. بدیهی است که این تغییرات بالقوه به قانون‌گذاران بیمه و مسئولان مالیاتی هم مربوط می‌شود. این تأثیر را صاحبان سهام و مشتریان نیز احساس خواهند کرد. بی شک حوزه‌ای وجود ندارد که حساب یک شرکت برکاری که انجام می‌دهد بی‌تأثیر باشد و در نتیجه استانداردهای بین‌المللی گزارش نویسی مالی نتایج عمیقی بر امور تجاری بیمه‌گران خواهد داشت. به علاوه شرکت‌های مالی نیاز خواهند داشت که انواع اطلاعات جدید را در مورد

عوامل و عناصری مانند سهام، مسائل مدیریت و ریسک و سرمایه اقتصادی جهت ارائه گزارش تحت استانداردهای بین‌المللی مالی جمع‌آوری کنند و این به معنای تغییرات بسیار عمده در سیستم‌های اطلاعات فنی (IT) و گزارش‌های مدیریت برای ایجاد رضایت است.

سرمایه و توانگری

دستورالعمل طرح‌های IASB و ارزش منصفانه، تأکید زیادی بر خطرهای ناشی از تعهدات بیمه شده دارد. متناسب کردن ریسک با جریان‌های نقدی یا حاشیه سود ارزش بازار منعکس‌کننده هزینه‌های اضافی است که با آن بی‌ثباتی در تعهدات بیمه پوشش داده می‌شود. رویکردهای متفاوتی درباره چگونگی تعیین حاشیه سود و میزان احتیاط‌ها وجود دارد. میزان این احتیاط را می‌توان با مراجعه به رتبه‌بندی اعتبار مورد دلخواه برای شرکت‌ها و این احتمال که تعهدات در طول زمان قابل تحقق هستند، تعیین کرد. بیمه‌گران برای جبران خطرهای احتمالی به سرمایه اضافی و برای پوشش دادن هزینه‌های سرمایه‌ای به حاشیه سود نیاز دارند. در این رویکرد، استدلال می‌شود که اگر خطرهای پورترفوی، متنوع و به خوبی سامان داده شده باشد، حاشیه سود ارزش بازار کمتر خواهد بود. در نتیجه، برای تأمین میزان معینی از کار تجارت برای انتخاب نرخ اعتباری به سرمایه کمی نیاز هست.

این حوزه‌ای است که قانون‌گذاران بدان توجه دارند. حوزه‌ای که در آن اجازه داده می‌شود قوانین به سمت مبانی مبتنی بر ریسک و واقعی سوق داده شوند، به ویژه اگر رویکرد با حاشیه سود و ریسک قانونی هم‌سو باشد. در بعضی از کشورها این جهت‌گیری از قبل تعیین شده است جتهی که در آن قانون‌گذاران حرکت می‌کنند، یعنی استفاده از مدل‌های مبتنی بر ریسک بیمه‌گران به عنوان عامل محرکی برای رفع الزامات توانگری به جای مدل‌های اختیاری ترجیح داده می‌شود. کمیسیون اروپا اخیراً یک

مقاله کاری درمورد طرح ۲ توانگری منتشر کرده که در آن پیشرفت‌های مدیریت توانگری برای بیمه‌گران اتحادیه اروپا بررسی شده است. در این مقاله یک رویکرد سه ستونه اتخاذ شده است:

ستون ۱ حداقل سرمایه پایه مورد نیاز را تشکیل داده است. در ستون ۲ مدیریت نقدینگی مطرح شده است. با این ملاحظه که در مدیریت مالی باید دامنه گسترده‌ای از شرایط احتمالی متفاوت و مغایر در نظر گرفته شود. در ستون ۳ بر طرح رویکردهای بیمه‌گران به مدیریت مالی در تجارت تأکید شده است. سرمایه پایه مورد نیاز ارائه شده در ستون اول ریسک‌هایی را که بیمه‌گران با آن مواجه هستند نشان می‌دهد، در حالی که ستون دوم مدیریت فعال برای کنترل این ریسک‌ها را تشویق می‌نماید. ستون سوم هم به مفسران اجازه می‌دهد تا رویکردهای متفاوتی را که بیمه‌گران در مواجهه با ریسک‌ها در پیش می‌گیرند، با هم مقایسه نمایند.

روشن است که این رویکرد سه ستونی برای تحقق اهداف خود به هیچ معیار اندازه‌گیری حسابداری وابسته نیست چرا که این رویکرد فقط به ریسک‌هایی که بیمه‌گر در عمل انجام می‌دهد، صرف نظر از این که این ریسک‌ها را چگونه می‌توان توجیه کرد، مربوط می‌شود. با وجود این، همه انواع توانگری تا حدودی به سنجش‌های حسابداری پایه بستگی و به اطلاعات ارزش‌داری‌ها و بدهی‌ها نیاز دارد. واضح است که اگر سیستم اندازه‌گیری و گزارش‌دهی در گزارش‌های سالیانه با شرایط توانگری سازگاری داشته باشد کارآمدترین سیستم‌ها خواهد بود و سود واقعی به دست خواهد داد. رویکرد رتبه‌بندی اعتبار (هدف) و به‌کارگیری حاشیه‌های سود ارزش بازار در چارچوب کاری هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری می‌تواند در رویکرد الزامات سرمایه در مرحله دوم روش توانگری مؤثر باشد. دیدگاه مدیریت و رویکرد ریسک می‌تواند نتایج مطلوب و مثبتی داشته باشد، اما در مسیر رسیدن این هدف، مشکلات جدیدی ظاهر خواهد شد.

در وهله اول، مدل ترکیبی حسابداری که بر گرفته از استانداردهای بین‌المللی گزارش مالی است، احتمالاً برای قانون‌گذاران به عنوان پایه‌ای برای گزارش‌دهی نقدینگی قابل قبول نخواهد بود. جای تردید و سوال است که آیا امکان تفهیم گزارش‌های مالی و دیدگاه‌های قانونی خصوصاً به نحوی که در سطح بین‌المللی یا حتی فقط در سطح اروپا قابل قبول باشد وجود دارد یا نه؟ واضح است که تعریف بیمه و تعامل بین هراستاندارد بیمه و استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ کلید فهم این مسئله است. به علاوه رویکرد ریسک‌پذیری نیازمند مدل‌هایی است که کاملاً تصادفی انتخاب شده‌اند و به مدل‌های تضمینی نیاز دارد، بدین معنا که در این مدل‌ها باید حیطه وسیعی از احتمالات و نتایج احتمالی بررسی شود. در مورد بسیاری از شرکت‌ها به ویژه شرکت‌های کوچک‌تر برای ایجاد مدل‌ها و در نتیجه فرضیه‌های مبتنی بر ریسک به سرمایه‌گذاری قابل توجه در سیستم‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی تولیدات نیاز است تا هم محصولات جاری و هم محصولات گذشته را پوشش دهد. در مورد بعضی شرکت‌ها این مسئله مشکل‌زا، پرهزینه و وقت‌گیر خواهد بود.

بازارهای سرمایه

بسیاری از تحلیل‌گران و مفسران هنوز شناختی از مباحث حسابداری بیمه و تأثیرات بالقوه آن در این حوزه ندارند. تأثیرات استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ و احتمالاً دستورالعمل‌های فعلی استانداردهای بیمه در صورت به‌کارگیری آن در تجارت به بی‌ثباتی بسیار زیاد و فزاینده‌ای در نتایج گزارشات و ارتباط آن بر سرمایه‌های بیمه‌گران عمده منتهی می‌شود. این بی‌ثباتی در صورتی که همه موارد دیگر متعادل باشد به نرخ پایین درآمد در بازارهای سرمایه و در نتیجه به ارزش‌های بازار اعلام شده بیمه‌گران منتج خواهد شد و نهایتاً هزینه‌های سرمایه افزایش خواهد یافت. رویکرد

مبتنی بر ریسک حسابداری و خصوصاً ارزش گذاری تعهدات بردرک بازارهای سرمایه تأثیر خواهد داشت.

درمورد آن دسته از شرکت‌هایی که ریسک تجاری در آنها پایین‌تر است یا به طور بالقوه توانایی ایجاد تنوع ریسک در مجموعه‌ای از کارهای تجاری را دارند یا به طور بارزتری استانداردهای بالایی در مدیریت ریسک دارند ممکن است فرصتی برای بهبود هزینه سرمایه‌هایشان وجود داشته باشد. این امر به توانایی در نشان دادن مزایای مدیریت ریسک و تمایل بازارها برای پذیرش نتایج گزارش‌های مالی و پاسخ به روش منطقی بستگی دارد. از سوی دیگر درمورد بعضی از شرکت‌ها رویکرد ریسک‌پذیری ممکن است به احساس نیاز واقعی به افزایش سرمایه جاری یا ارائه تصویری از نقاط ضعف سرمایه مورد انتظار منتهی شود که سبب بی‌ثباتی فزاینده در درجه‌بندی بازار آنها و هزینه سرمایه می‌شود. روی هم رفته، مشخص است که تأثیرهای احتمالی روندهای حسابداری بیمه، بدون انجام عملیات متعادل‌سازی توسط بیمه‌گران، افزایش سرمایه را به احتمال زیاد برای بعضی از شرکت‌ها و همچنین هزینه بیشتر را برای همه در پی خواهد داشت.

تولیدات

در روش گزارش‌نویسی پیشنهادی، تأکید عمده‌ای بر سنجش سودآوری فعالیت‌های جدید صورت خواهد گرفت. غیرممکن است که این سنجش و ارزیابی تحت قوانین حسابداری، همانند سنجشی باشد که حاصل به کاراندازی سودهای به دست آمده و گزارش‌دهی و تحلیل ارزشی انجام گرفته باشد. در واقع، در روش حسابداری پیشنهادی تقریباً با اطمینان نشان داده می‌شود که میزان سوددهی در مدل‌های جاری کمتر خواهد بود. این نکته نتیجه وجود تعدادی از عوامل زیر است:

- روش حسابداری نمی‌تواند تمامی حق بیمه‌های مورد انتظار آینده را برآورده سازد.
- رویکرد حسابداری در مورد کلیه ضمانت‌ها یا انتخاب‌های گنجانده شده در تولید، احتمالا محافظه‌کارانه و شفاف است.
- تجزیه و تحلیل ریسک ممکن است به حاشیه سود بیشتر ارزش بازار منتهی شود.
- رسیدگی به انتظارات بیمه‌گذار در فعالیتهای بازرگانی ممکن است نیازمند تشخیص زود هنگام سطح سود سهام بیمه‌گذار باشد.

نتیجه احتمالی این مباحث این است که سیاست‌هایی که سطوح مختلف تضمین‌ها یا حق انتخاب مشارکت در امر تولید را تعیین می‌کنند، اگر قرار باشد تحت استانداردهای بین‌المللی گزارش‌های مالی مفید باقی بمانند، احتمالا باید افزایش قیمت‌گذاری قابل توجهی داشته باشند. این امر قطعا از محبوبیت و مطلوبیت آنها در نزد مشتریان خواهد کاست. از طرفی بیمه‌گران مجبور خواهند بود تلاش بیشتری بکنند و به بازارها توضیح دهند که چرا محاسباتشان در مورد سود اقتصادی حاصل از محصولات، با آنچه در استانداردهای بین‌المللی گزارش‌های مالی گزارش شده است. بسیار متفاوت است، و این وضعیتی نامطلوب است. بیشتر احتمال دارد که بیمه‌گران به سمت روش تولید تک محصولی یا سبکی متغیر حرکت کنند که ضمانت کمتری دارد و دامنه انتخاب‌ها در آن برای بیمه‌گذاران محدود است. این روند ممکن است به حرکت به سمت تولیدات بلند مدت منجر شود و در ضمن در صنعت بیمه عمر پیشنهاد شود که سمت و سو و معرفی حمایت از عناصر و عوامل و پس‌انداز کردن‌ها در جهت تأمین سود متقابل باشد.

روش حسابداری همچنین تأثیرهای عمده‌ای بر دارایی‌های ترازنامه و به ویژه بر تمرکز فزاینده روی هماهنگ کردن دارایی‌ها و بدهی‌ها دارد. با این روش

حسابداری می‌توان بیمه‌گران را تشویق یا حتی وادار کرد به عنوان یکی از نتایج بی‌ثباتی، میزان ریسک‌پذیری دارایی‌ها را کاهش دهند یا دیدگاه بسیار محافظه کارانه‌ای درخصوص بازگشت مورد انتظار سرمایه‌گذاری‌ها در آغاز داشته باشند. این مورد آخر تأثیرات خاصی بر محصولات بازار سهام داشته است، چه ماهیت آنها مشارکتی باشد و چه ماهیت تک محصولی یا متغیر باشند. هرگونه روند ریسک‌پذیری دارایی‌ها تأثیر بالقوه زیادی روی بازارهای سهام دارد.

متوازن کردن این تأثیرها از دیدگاه مدیریتی، برای مدیریت‌های متمرکز برانجام ریسک در سهام و شرکت ضروری است و مزایای ویژه‌ای برای شرکت‌هایی که کانون توجه آنها بر مدیریت توأم با انجام ریسک در تولیدات است، دارد. از جمله انحراف نرخ‌ها، اختیارات واگذاری و کاهش هزینه‌ها هم در مرحله اکسپانژ و هم در مراحل اجرایی بعدی را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه در این مقاله سعی نشده است درباره همه مسائل مطرح در ایجاد یک استاندارد گزارش نویسی بحث شود، بلکه تمرکز این مقاله به طور خاص در وهله اول بر مسائلی بوده که در زمینه بیمه عمر مطرح است. بسیاری از نکات آن در حوزه بیمه اتکایی و بیمه‌های غیر عمر نیز کاربرد دارد (مشکل اساسی در مورد بیمه‌های اتکایی و بیمه‌های غیر عمر، دیدگاه هیئت استانداردهای بین‌المللی است که بر طبق آن، ارزش منصفانه هنگام حوادث غیر مترقبه کاربرد ندارد).

در این مقاله همچنین درباره پیچیدگی روش‌های مالیاتی در مورد تغییرات پیشنهاد شده در حسابداری بحث نشده است زیرا این موارد از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است و به روابط فعلی بیانیه‌های مالی اولیه و اظهارنامه‌های مالی ارائه شده با هدف مالیاتی مسئولان بستگی دارد. در هر صورت، روشن است که روش فعلی

استانداردهای حسابداری این امکان بالقوه را دارد که تأثیر بسیار عمده‌ای بر امور بیمه‌ای همچون انواع محصولاتی که فروخته می‌شود، ماهیت دارایی‌های ذخیره شده و اساس سرمایه داشته باشد. تأثیرات جدی این تغییرات ممکن است در زمینه هزینه‌های سرمایه‌ای آتی صنعت بیمه، نیاز بالقوه به افزایش سرمایه و سرمایه‌گذاری در بازارهای سهام باشد.

در این مقاله تأکید شده است که در صنعت بیمه توجه باید بر روی رشد و توسعه این استانداردها باشد. یک گروه از مدیران مالی شرکت‌های بزرگ در تلاش برای ایجاد این دیدگاه که صنعت بیمه در این روند توسعه نقش برجسته‌ای دارد، به پیشرفت‌هایی نایل شده‌اند. دیدگاه‌های مشترک و استدلال‌های منسجم در صنعت بیمه باید تداوم داشته باشد تا این اطمینان حاصل شود که در استانداردهای نهایی، واقعیت تجارت فعلی و اقتصاد صنعتی منعکس شود و وجود آنها برای کاربران صورت‌های مالی نیز مفید خواهد بود.